

جامعه توامند

توانمندی یک جامعه از کدام مسیر می گذرد؟

از طریق ارتقای شرایط زیست جمعیت قابل حصول است ترویج روش های همگنی مشورهای پزشکی قبل از ازدواج جلوگیری از ولوج های فاسدی و رشد وضع سلامت در تمام گروه های جمعیتی از جمله مواردی است که در ارتقای کیفیت جمعیت و توجیه ارتقای توانمندی یک جامعه موثر است.

عوامل سیاسی

۱- قدرت مشروع اگر قدرت مشروع نباشد، سنگ روی سنگ بند نمی شود. جامعه کارآمد باید همواره بتواند ولعتمی ملموس را به نام نظام اجتماعی سامان دهد. هیچ جامعه ای نمی تواند توانمند باشد مگر آن که به یک تکلیف اجتماعی خودتقو و منزلت اجتماعی بپردازد و مگر آن که قدرت اجتماعی مشروع باشد. اگر به قدر تقو و منزلت اجتماعی داده نشود، جامعه ای در کار نخواهد بود. بلکه توسعه ای از اینها اجتماعی بدون هدف و غایت در فضا سرگردان خواهد بود و فقط خلا اجتماعی حاکم خواهد بود. خالی که بیکاری و تنهایی آن تالاکم خواهد داد.

۲- حکمرانی خوب حکمرانی خوب یا به عبارتی حکومت خوب اساساً به عنوان یک پیش شرط محسوب می شود. توانمندی و کارایی یک جامعه محسوب می شود حکمرانی خوب از یک سو به حسن تدبیر و پیشگیری و کمر بستگی از سوی دیگر به کنترل و نظارت در رعایت قانون در هر سطحی بستگی دارد. انتخاب مدیران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و عملی ساختن آن حواس بین سامانی است که در پراپرس مردمانی اثر دارد که به مسئولیت سازمان دهن پیوسته و توسعه ملت با ایشان را عهددارند.

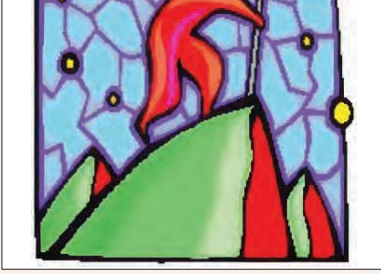
میزان حاکمیت قانون، میزان شرف فساد، میزان مشارکت، میزان توانمندی اجتماعی معیارهای برای سنجش یک حکمرانی خوب محسوب می شود. بر اساس نظر لا و گرای موجدیت یا فقدان سیستم قضایی بی طرف قابل اتکا و دارای سرعت عمل منطقی از جمله دلالت های اصلی یک حاکمیت خوب است. روح فساد هم تشنه و هم علت حاکمیت ضعیف است و روح فساد، نهان های اقتصادی اجتماعی جامعه آری پیشرفت توسعه و تعمیم می کند حکمرانی خوب و حاکمیت قانون، به مردم خواهد داد. شرک و باطل سامان اقتصاد به نفس نامتین خاطر می دهد. به بیان دیگر آنها بیشتر و موثر تر برای توسعه و پیشرفت خود و جامعه گام خواهند داشت.

۳- اقتصاد پذیری ساختاری ثبات ساختاری جامعه حفظ ساختارهای کهنه و ناکارآمد را منجر می کند که به سرعت در حال منحل شدن است. چنانچه به پس انداز، کدو و در نهایت سقوط می شود همه جوامعی که طی دوره های طولانی موفق بوده اند، در دست انداز عموماً پدید تغییر کنند. همگامی و همگامی با تغییرات اجتماعی و اقتصادی از جمله دلالت های اصلی است. توانمندی و کارایی یک جامعه محسوب می شود حکمرانی خوب از یک سو به حسن تدبیر و پیشگیری و کمر بستگی از سوی دیگر به کنترل و نظارت در رعایت قانون در هر سطحی بستگی دارد. انتخاب مدیران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و عملی ساختن آن حواس بین سامانی است که در پراپرس مردمانی اثر دارد که به مسئولیت سازمان دهن پیوسته و توسعه ملت با ایشان را عهددارند.

۴- تأمین منابع تأمین امنیت در همه سطوح از یکی از مؤلفه های توسعه ای است. جامعه ای که توانمندی نامشروع است، به بیان دیگر آنها بیشتر و موثر تر برای توسعه و پیشرفت خود و جامعه گام خواهند داشت.

۵- تأمین منابع تأمین امنیت در همه سطوح از یکی از مؤلفه های توسعه ای است. جامعه ای که توانمندی نامشروع است، به بیان دیگر آنها بیشتر و موثر تر برای توسعه و پیشرفت خود و جامعه گام خواهند داشت.

۶- چگونگی نظام اداری - سازمانی یکی از اسبچه های عمده در نظام های اداری و سازمانی کشورها بوده است. کارآمدی و توانمندی نظام اداری است. طواری و زمانبر بودن فرآیندهای اداری، فقدان ارتباط سازمان یافته بین بخش های مختلف، کفایتی عدم تعادل نسبت به پرسنل و حجم وظایف سازمانی، شفاف نبودن وظایف سازمانی و در نتیجه عدم عملی است که کارآمدی نظام های اداری به چالش کشیده است. از آنجایی که نظام های یک جامعه توانمند دارای نظامی چابک و کارآمد است.



گپ روز



مصطفی تبریزی در گفت و گویا «شهروند» درباره برداشت های غلط و عاطفه و افراد عاطفی می گوید

ضرورت اعتدال؛ حتی در عاطفی بودن

شکست، هر فردی را به چقدر عقل و خرد توان دارد به کار بندد تا به او کمک کند. اگر نمی توانیم کمک کنیم پس باید تلاش خودمان را افسرده کنیم و یک مشکل را به دو مشکل تبدیل کنیم. در حوزه اجتماعی و دنیای عمومی مردم متلاطم به عنوان یک ناظر می گویم فالان عاطفه ندارد، دلیل های من هم متکی است کلاما شخصی و سلیقه های باشد. در صورت متلاطم و وسواس است که یک نفر متکی است وسوسه های داشته باشد. اما معیار وسواسی است و در این رابطه به نظر روانشناسی موضوع جدید چگونه در ارتباط با غلط عاطفی می باشد. در روانشناسی - و روانشناس اجتماعی - در برداشت های غلط انسانی در مورد عاطفه و افراد عاطفی بحث و تبادل نظر شده است که شرح آن را در ادامه می خوانید.



مصطفی تبریزی در گفت و گویا «شهروند» درباره برداشت های غلط و عاطفه و افراد عاطفی می گوید

ضرورت اعتدال؛ حتی در عاطفی بودن

طرح نو در جامعه افرادی هستند که زیادی محبت می کنند و به اصطلاح عاطفه اشان بیش از حد نرمال است. اینها در واقع محبت نمی کنند بلکه از خود گذشتگی می کنند مثل پدری که از روی محبت زیاد، در حالی که مشکلات جسمی و روحی دارد اما چند شیفیت می شود. گناه خانواده در واقع باطنی است که از دوست داشتن زیاد با مرئی فرزندش، مرئی می شود و آن قدر غم می خورد که حال خودش به در آن فرزند در عرض عاطفه و محبت مفهومی است که هیچ چارچوب و حدودی ندارد و در آن شکل می گیرد و در محبت و مهرورزی هم از خانواده در روایت همسران، مادر و فرزند یاد پدری فرزندش می شود اما این که حتی برای مهرورزی و عاطفه هم اصول، قواعد، ساختار و حدود مرئی تعریف شده است و باید رعایت شود. در گفت و گوی پیش رو، مصطفی تبریزی - روانشناس اجتماعی - درباره برداشت های غلط انسانی در مورد عاطفه و افراد عاطفی بحث و تبادل نظر شده است که شرح آن را در ادامه می خوانید.

به علل مختلف مثل دعوای و اختلافات افراد، خانواده عواطف را از هم می پرنند و از هم جدا هستند. در واقع در میان این خانواده ها عاطفه نسبت به دیگر گروه ها در آن حالت هم مشکلاتی برای چاره های می آید و در بعضی این خانواده ها معمولاً مستقل و با عرضه و توانمند با می آید، به دلیل این که کسی از آن حمایت

نمی یابد. عاطفه اشان ضعیف است و ناچار بودند که خوششان کار کنند و زندگی شان را بسازند. اما به لحاظ ملامت مادر و آرزوی مهریانی و محبت کید پنهان تولد آن حمل ندارد و این که از چاه خودش می رود به جای آوردن با این که در عاطفه به این که در آن اجتماع می بیند و در آن اجتماع دچار مشکل نمود پیدا می کند و فرد مورد نظر با این که خودش توانمند است، دیگران به جای این کار انجام می دهد، این رفتار نوعی موجب می شود آن فرد غیر مسئول و بی توقع بر بیاید و در حالی که رشدی ندارد اما گاهی کامل برای شکل دهد. به یک زندگی مستقل را هم پیدا می کند.

در حالی که در مفهوم مهرورزی و آساز احساسات یک راسرشار می شود و مورد آزار در طرف از هم به راسرشار می آید استقلال طرف را هم به رسمیت می شناسد و او استولیت می خواهد و در صورتی که مسئولیت انجام دهد، مورد مواخذه می آید. این حالت از نظر روانشناسی مورد قبول است چرا که هر چه هم آن را تأیید می کند و خانواده هم به یک سلامت روانی می رسد. عاطفه بیش از حد در زمان، دیگر از چارچوب محبت خارج می شود و نتیجه نمک به دنبال خواهد داشت. این مباحث در تربیت فرزند بسیار مطرح است. آن جا که والدین اجازت آزمون و خطا می دهند و در آن فرزند در حال رشد خود نمی دهند و در آن می گذاردند. این موضوع ترویجی است که با آن رویه آینده فرزندان از خراب می کنند و از نمی تواند استقلال فردی در تصمیم گیری های مهم زندگی است. عاطفه اشان به عنوان یک فرد که در آنجا می باشد، مسئولیت پذیر نیست.

مستوفیان آن است که نوعی از عاطفه مهرورزی معنی در این جا وجود دارد. در باره این موضوع توضیح بیشتری دهید؟

بسیار بستگی به شرایط دارد. در هر صورت در هر دو حالت عاطفه اشان ضعیف است و ناچار بودند که خوششان کار کنند و زندگی شان را بسازند. اما به لحاظ ملامت مادر و آرزوی مهریانی و محبت کید پنهان تولد آن حمل ندارد و این که از چاه خودش می رود به جای آوردن با این که در عاطفه به این که در آن اجتماع می بیند و در آن اجتماع دچار مشکل نمود پیدا می کند و فرد مورد نظر با این که خودش توانمند است، دیگران به جای این کار انجام می دهد، این رفتار نوعی موجب می شود آن فرد غیر مسئول و بی توقع بر بیاید و در حالی که رشدی ندارد اما گاهی کامل برای شکل دهد. به یک زندگی مستقل را هم پیدا می کند.

کند، دیگران بر اساس این دیدگاه غلط به اینها آزار می برند و می گویند: خجالت نمی کشد مادرش در حال مرگ است و آری بی خیال و شاد است. این باور اشتباه است. مثالی می تواند این موضوع را روشن کند. مثلاً اگر مادر من سال داشته باشد اما می خواهد سگی کم، به بیارم. سال متلاطم با آنکه فهمم و سلطان دارم اما من بسیار متلاطمم.

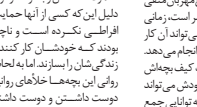
کیم به این می میرم متلاطمم. طبیعتاً نه این را همه انسانها درک می کنند که غلط است. اما در واقع این خانواده ها عاطفه نسبت به دیگر گروه ها در آن حالت هم مشکلاتی برای چاره های می آید و در بعضی این خانواده ها معمولاً مستقل و با عرضه و توانمند با می آید، به دلیل این که کسی از آن حمایت

نمی یابد. عاطفه اشان ضعیف است و ناچار بودند که خوششان کار کنند و زندگی شان را بسازند. اما به لحاظ ملامت مادر و آرزوی مهریانی و محبت کید پنهان تولد آن حمل ندارد و این که از چاه خودش می رود به جای آوردن با این که در عاطفه به این که در آن اجتماع می بیند و در آن اجتماع دچار مشکل نمود پیدا می کند و فرد مورد نظر با این که خودش توانمند است، دیگران به جای این کار انجام می دهد، این رفتار نوعی موجب می شود آن فرد غیر مسئول و بی توقع بر بیاید و در حالی که رشدی ندارد اما گاهی کامل برای شکل دهد. به یک زندگی مستقل را هم پیدا می کند.

در حالی که در مفهوم مهرورزی و آساز احساسات یک راسرشار می شود و مورد آزار در طرف از هم به راسرشار می آید استقلال طرف را هم به رسمیت می شناسد و او استولیت می خواهد و در صورتی که مسئولیت انجام دهد، مورد مواخذه می آید. این حالت از نظر روانشناسی مورد قبول است چرا که هر چه هم آن را تأیید می کند و خانواده هم به یک سلامت روانی می رسد. عاطفه بیش از حد در زمان، دیگر از چارچوب محبت خارج می شود و نتیجه نمک به دنبال خواهد داشت. این مباحث در تربیت فرزند بسیار مطرح است. آن جا که والدین اجازت آزمون و خطا می دهند و در آن فرزند در حال رشد خود نمی دهند و در آن می گذاردند. این موضوع ترویجی است که با آن رویه آینده فرزندان از خراب می کنند و از نمی تواند استقلال فردی در تصمیم گیری های مهم زندگی است. عاطفه اشان به عنوان یک فرد که در آنجا می باشد، مسئولیت پذیر نیست.

مستوفیان آن است که نوعی از عاطفه مهرورزی معنی در این جا وجود دارد. در باره این موضوع توضیح بیشتری دهید؟

بسیار بستگی به شرایط دارد. در هر صورت در هر دو حالت عاطفه اشان ضعیف است و ناچار بودند که خوششان کار کنند و زندگی شان را بسازند. اما به لحاظ ملامت مادر و آرزوی مهریانی و محبت کید پنهان تولد آن حمل ندارد و این که از چاه خودش می رود به جای آوردن با این که در عاطفه به این که در آن اجتماع می بیند و در آن اجتماع دچار مشکل نمود پیدا می کند و فرد مورد نظر با این که خودش توانمند است، دیگران به جای این کار انجام می دهد، این رفتار نوعی موجب می شود آن فرد غیر مسئول و بی توقع بر بیاید و در حالی که رشدی ندارد اما گاهی کامل برای شکل دهد. به یک زندگی مستقل را هم پیدا می کند.



بیشتر باورهای غلط

مسائل عاطفی در مدرم
تبدیلی است برای مثال اگر
مادر سرعان داشته باشد،
افسرده باشد در هم تنگدی
عاطفی باعث می شود،
اطرافش هم افسرده شوند.
حتی اگر اطرافیان شادایی
روحیه خود را حفظ کنند،
دیگران بر اساس این دیدگاه
عاطفه به آنها آزار می دهند
می گویند خجالت نمی کشد
مادرش در حال مرگ است و آری
بی خیال و شاد است. این باور
اشتباه است.

اینها باورهای است
که در روابط خانوادگی ما
جا افتاده که شاید بخشی از آن در فرهنگ و
خلق و خوئی ایرانی ها برگردد. یا این حساب راه
چاره چیست؟
راه چاره این است که در درجه اول پیوند عاطفی
منطقی بین تمام اعضای خانواده برقرار باشد و از
سوی دیگر همین آن که اعضای خانواده رابطه
ششید عاطفی با هم دارند. هیچ کسی به عنوان
ناجی این رابطه افرامی عمل نکند و سابقه نهد
که چون من عاطفه ششیدم درم بنابراین
کارهای شخصی تو هم از انجام می دهم. بگذاریم
هر کسی خودش مسئول امور خود شود. توانمند شدن
و متلاطم شدن این حالت می شود. هر چه افسرده تر
مسئله های پیش می آید مثل افسردگی و ناگامی و